

ایزیت سے عثمانیہ!

نہشتہ:

دکتر ادھم شرقاوی

ترجمہ:

خلیل الرحمن خباب

این دست عثمان است!

نَبشته: دکتر ادهم شرقاوی
ترجمه: خلیل الرحمن خباب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان ❖	:	این دست عثمان است!
نوشته ❖	:	دکتر ادهم شرقاوی
ترجمه ❖	:	خلیل الرحمن خباب
تاریخ انتشار ❖	:	خزان ۱۴۰۲

ایجاد هرنوع تغییر بدون اجازه مترجم،
مجاز نمی‌باشد و خیانت محسوب می‌گردد!

ارتباط با مترجم:

وبلاگ: Khademulislam.blog.ir

تلگرام: [@Khademulislam](https://t.me/Khademulislam)

واتساپ و ایمو: [+93702837300](https://wa.me/93702837300)



لینک‌های مفید اسلامی:

کتابخانه قلم: [@Qalamlr](https://t.me/Qalamlr)

کانال فارسی دکتر ادهم شرقاوی: [@DrSharqawi](https://t.me/DrSharqawi)

تلگرام کتابخانه اقراء: [@iqraaLib](https://t.me/iqraaLib)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در سال حُدیبیه، رسول الله ﷺ همراه مسلمانان رهسپار مکه شدند و تنها هدف آن حضرت ﷺ عُمره کردن بود، اما در مکه شایعه شد که مسلمانان به قصد جنگ آمده‌اند.

پس رسول الله ﷺ تصمیم گرفتند پیکی نزد آنان بفرستند و خبر دهند که آنها فقط برای عمره آمده‌اند و بیشتر از یک شبانه‌روز در مکه نمی‌مانند!

در آغاز امر، حضرت عمر بن خطاب ؓ برای این کار انتخاب شد، اما چون آن روزها بنی‌عدی [قبیله حضرت عمر ؓ] تعدادشان در مکه کم بود و در صورتی که قریش قصد خیانت می‌کردند، نمی‌توانستند از حضرت عمر ؓ حمایت کنند، لذا فاروق اعظم ؓ به رسول الله ﷺ پیشنهاد نمود که حضرت عثمان بن عفان ؓ را به جای او بفرستند؛

این دست عثمان است!

[فاروق اعظم رضی الله عنه نظر خود را این گونه توجیه کرد و گفت که] چون او از بنی‌أمیه، قبیله قوی و ثروتمند قریش است، پس هیچ کس جرأت آسیب‌رساندن به او را ندارد...

رسول‌الله صلی الله علیه و آله نظر حضرت عمر رضی الله عنه می‌پذیرند و حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه را به‌عنوان نماینده خود با این پیام نزد قریش می‌فرستند که «ما برای جنگ نیامده‌ایم، بلکه فقط برای عمره آمده‌ایم!».

حضرت عثمان رضی الله عنه به مکه رفت و پیام رسول‌الله صلی الله علیه و آله را به ابوسفیان و بزرگان قریش رساند و آن‌ها گفتند که این موضوع را [با رایزنی و مشوره همدیگر] بررسی خواهند کرد.

ابوسفیان به عثمان رضی الله عنه گفت: «اگر می‌خواهی کعبه را طواف کنی، پس طواف کن!».

این دست عثمان است!

عثمان رضی الله عنه گفت: «نخیر، من تا وقتی که رسول الله صلی الله علیه و آله آن را طواف نکنند، این کار را انجام نمی‌دهم».

قریش حضرت عثمان رضی الله عنه را نزد خود نگه داشتند تا به نتیجه‌ای برسند و از طریق او پیام‌شان را به رسول الله صلی الله علیه و آله بفرستند. اما زمانی که عثمان رضی الله عنه تأخیر کرد، شایعه شد که قریش او را به شهادت رسانیده است و چون قوانین دیپلوماسی آن زمان ایجاب می‌کرد که سفیران و نمایندگان نباید کشته شوند، پیامبر صلی الله علیه و آله به خشم آمدند و مسلمانان را فراخواندند و زیر درخت بیعت‌الرضوان از آنها بیعت گرفتند که تا سرحد مرگ با قریش بجنگند!

رسول الله صلی الله علیه و آله دست‌شان را گذاشتند و صحابه رضی الله عنهم نیز یکی پس از دیگری دست‌های خود را بر روی دست مبارک آن حضرت صلی الله علیه و آله قرار دادند و بر مرگ بیعت نمودند. وقتی

این دست عثمان است!

که دست‌ها بر روی دست آن حضرت ﷺ جمع شد، دست مبارک دیگرشان را بلند کردند و فرمودند:

«هَذِهِ يَدُ عُثْمَانَ!» «این دست عثمان است!».



درست است که اگر [تأخیر و] غیبت حضرت عثمان ﷺ نمی‌بود، این بیعت اتفاق نمی‌افتاد، اما عثمان ﷺ با اینکه غایب بود، [در این بیعت] حضور داشت؛ چون آقا و سرور مردم [رحمة للعالمین ﷺ] به جای او بیعت می‌کنند و دست مبارک ایشان جای خالی دست حضرت عثمان ﷺ را پر می‌کند!

رسول‌الله ﷺ می‌دانستند که اگر بیعت بر مرگ به‌خاطر امر دیگری می‌بود و عثمان ﷺ حضور می‌داشت، بی‌درنگ بیعت می‌کرد؛ برای همین جای خالی‌اش را پر نمودند.

این دست عثمان است!

آیا ما هم جای خالی یکدیگرمان را پر می‌کنیم؟!
آیا وقتی برای فرد مستمند و فقیری صدقه‌ای جمع شده،
یکی از ما گفته که این از طرف دوست غایبم است که
اگر حاضر می‌بود، حتماً [این‌گونه می‌بخشید و] صدقه
می‌داد؟!!

آیا یکی از ما پدر و مادرش را برای درمان به بیمارستان
برده و در تنهایی به یکی از آن‌ها گفته که برادرم به خاطر
عذری نتوانست بیاید و اگر او اینجا حضور می‌داشت، من
نمی‌توانستم در نیکی کردن به شما از او پیشی بگیرم؟!!

در غزوهٔ تبوک، وقتی رسول‌الله ﷺ کعب بن مالک را
ندیدند، پرسیدند: «کعب بن مالک چه کرد [و کجاست]؟!».
مردی از بنی سلمه گفت: «ای رسول خدا، لباس‌های فاخر
و زیبا و نگریستن به آن‌ها، مانع آمدنش شد!».

حضرت معاذ بن جبل رضی الله عنه بلند شد و گفت:

«بِئْسَ مَا قُلْتُ، وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ إِلَّا خَيْرًا».

«حرف بدی زدی، به خدا سوگند ای رسول خدا، ما چیزی جز خیر و خوبی از او نمی دانیم [و ندیده ایم]!».

آری کعب رضی الله عنه غایب بود، اما در دل معاذ رضی الله عنه حضور داشت و جای خالی اش را پر کرد!

مردی به مُبرّد امام مشهور نحو گفت: «فلانی مرا دشنام داد و من سکوت کردم، سپس تو را دشنام داد و من خود را در جای تو قرار دادم و باز سکوت نمودم!».

مُبرّد گفت: «این دو با هم برابر نیستند؛ چون سکوت و مدارای تو از طرف خودت، بردباری و از طرف دوستت، خیانت محسوب می شود!».

این دست عثمان است!

هرگاه دوست‌تان حضور نداشت، جوان‌مردی‌اش را بیان کنید، جای خالی‌اش را پر نمایید و [این سخن رسول‌الله ﷺ را] به یاد آورید:

«هَذِهِ يَدُ عُثْمَانَ!»؛ «این دست عثمان است!».

وصلی اللہ تعالیٰ علی خیر خلقه محمد

وعلی آلہ وصحبہ أجمعین

این دست عثمان است!

آثار دیگر مترجم:

- ۱- آه از دست ملاها!
۲۱- ز گهواره تا گور استادتم!
- ۲- آیا از عبادت کردن خسته می‌شوید؟
۲۲- سراب خوشبختی
- ۳- اسلام به ذات خود ندارد عیبی...!
۲۳- سرزنش و پیامدهای آن
- ۴- این دست عثمان است!
۲۴- صدای کفش‌هایت را شنیدم!
- ۵- با دروغ زندگی نکنیم!
۲۵- طلاق شوخی بردار نیست
- ۶- بایدها و نبایدهای میراث
۲۶- گفتمان (بزرگ‌ترین راه حل)
- ۷- بانوی قهرمان
۲۷- لعنت (تکیه کلام منفور)
- ۸- برای بردار نام (۱)
۲۸- ما کجا و آن‌ها کجا؟
- ۹- برای خواهر نام (۱)
۲۹- ماه رجب (ویژگی‌ها و بدعت‌ها)
- ۱۰- بی‌رحمی بزرگ
۳۰- ماه شعبان (فرصتی دیگر)
- ۱۱- پوزش می‌طلبیم!
۳۱- نجات از اضطراب امتحان
- ۱۲- جوانان، زیر چکمه‌های روزگار
۳۲- نمی‌دانم!
- ۱۳- چرا نمی‌پرسیم؟
۳۳- نیکی کن و در دجله انداز!
- ۱۴- چگونه حمله‌های شیطان را دفع
۳۴- هدیه‌ای به مصطفی ﷺ
- کنیم؟
- ۱۵- خواهرم، خودت را بشناس!
۱۶- خودکشی نوین
- ۱۷- خود اشتباه نکنیم!
۱۸- داستان جریج عابد
- ۱۹- دیگران چه می‌گویند؟
۲۰- روزهای مبارک

ایزوست عثمانیست!

نہشتہ:
دکتر ادھم شرقاوی

ترجمہ:
خلیل الرحمن خباب

ارتباط با مترجم:

وبلاگ: Khademulislam.blog.ir

تلگرام: @Khademulislam